

مطالعه جامعه‌شناختی هویت سنتی / مدرن دانشجویان (جامعه مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد شوشتر در سال ۱۳۹۶)^۱

خیام عباسی*

چکیده

این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی و با روش پیمایش انجام گرفته و کوشش شده تا بعضی از متغیرهای تأثیرگذار بر گذار از هویت سنتی به هویت مدرن بررسی شوند. جامعه مورد مطالعه، دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد شوشتر (۴۳۰۰ نفر) بودند که ۳۸۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری نیز با روش خوشه‌ای - تصادفی ساده بر مبنای تعداد دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه انجام شد. اطلاعات مورد نیاز با پرسشنامه محقق - ساخته جمع‌آوری و با برنامه SPSS، با استفاده از آزمون‌های آماری متناسب روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته آزمون‌های: معناداری تفاوت میانگین - توکی -، آزمون اسپیرمن، آزمون پیرسون و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاصل نشان می‌دهند که متغیرهای مستقل جنس ۰/۴۱، سن ۰/۰۰۸، وضعیت تأهل ۰/۱۸، تحصیلات پدر ۰/۰۷۶-، شغل پدر ۰/۰۱۰، درآمد خانواده ۰/۰۴۷، شغل مادر ۰/۱۴۵-، میزان مشارکت اجتماعی ۰/۴۰۴، میزان استفاده از وسایل ارتباطی ۰/۰۸۲، سطح ارتباط انسانی ۰/۱۱۷، میزان تعلق اجتماعی ۰/۱۱۳ و سطح دینداری ۰/۰۸۸ روی متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند. روی هم‌رفته، این متغیرها، ۴۹/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت سنتی، هویت مدرن، دانشجویان دانشگاه آزاد.

* استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
abbasi.khayyam@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۵

۱. مقدمه

کیستی و چیستی انسان هم‌زمان می‌تواند در ابعاد فردی، جمعی، تاریخی، دینی، ملی، قومی و مذهبی مورد تبیین قرار بگیرد. از وجه انتولوژیک، هویت، چیستی و کیستی فرد را نشان می‌دهد که هم واجد معنای هم‌سانی و هم واجد معنای ناهم‌سانی است. این‌گونه به خود یا گروه خود نگریستن از آغاز زندگی جمعی انسان وجود داشته و در قرون جدید شدت بیشتری یافته است. از این زاویه، هویت هر فرد یا گروه، ضمن برساختن هم‌سانی‌ها با «خودی»ها، متضمن و مبین ناهم‌سانی‌ها و تمایزات مختلف و مرزبندی با «دیگران» هم بوده و هست.

از وجه لغوی، «واژه هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین دارد و از Identitas که از [Idem اقتباس شده] یعنی «مشابه و یکسان» ریشه می‌گیرد. این واژه در یک معنا به ویژگی یکتایی و فردیت، یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد و در معنای دیگر به ویژگی هم‌سانی که در آن اشخاص می‌توانند به هم پیوسته باشند و یا از طریق گروه یا مقولات براساس صور مشترک برجسته‌ای، نظیر ویژگی‌های قومی و ... به دیگران پیوندند، دلالت دارد (بایرون، ۱۹۹۷؛ فکوهی، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳).

هویت به عنوان یک خرده‌سیستم در درون سیستم کلان فرهنگی قرار دارد و مورد تبادل قرار می‌گیرد. این تبادل، منجر به بده - بستان‌های فرهنگی و در نتیجه هویتی می‌شود و بنابراین در روند صیوریت تاریخی، ماهیتی ترکیبی می‌یابد. با این وضع، آنچه که مورد مطالعه جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد، تعداد پُرشماری «هویت‌ها»ی مندرج در فرهنگ‌های مختلف و متکثر است که جز با بینش پلورالیستیک قابل بررسی نیستند. این مطالعه با فرض اساسی سیالیت، تاریخت، تکثری و تبدلی بودن مفهوم هویت و با به رسمیت شناختن مجموع هویت‌های ذیل فرهنگ‌های جوامع مختلف، می‌کوشد بخشی از عوامل خُرد حرکت از هویت سنتی به سوی هویت مدرن را به مطالعه گیرد.

۲. مسأله محوری پژوهش

«مسئله اجتماعی» را از منظر هر یک از پارادایم‌های توافقی، تضادی و تفسیری (محمدپور، ۱۳۹۶؛ ایمان، ۱۳۸۹) که مورد تبیین قرار بدهیم، عنصر اصلی و اساسی آن، اختلال در نظم موجود است. ممکن است نظریه‌های متنوع درون هر یک از این پارادایم‌ها، این اختلال را مثبت یا منفی بینگارند، اما این که نفس مسئله هم‌زمان واجد عنصر ذهنی و عنصر عینی است را می‌توان مبنای مشترک این نظریه‌ها دانست. در تحلیل و تعلیل تغییر فرم‌اسیون جامعه، جانسون (جانسون، ۱۳۶۳؛ بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۳۴) چهار دسته منابع را معرفی می‌کند که موجب اختلال در تعادل و در نهایت تغییر سیستم می‌شوند: منابع خارجی تغییر در نظام ارزشی (مانند ایدئولوژی‌های خارجی)؛ منابع داخلی تغییر در نظام ارزشی (مانند اندیشه‌های اصلاحی داخلی)؛ منابع خارجی تغییر محیط (مانند انقلاب صنعتی) و منابع داخلی تغییر محیط (مانند رشد جمعیت). (هم‌چنین نک: بشیریه، ۱۳۹۳).

از زمان حاکمیت صفویان، نظم ساختاری جامعه‌ی ایران دستخوش تحول بنیادین شد (نک: آبراهامیان، ۱۳۸۷؛ راجر سیوری، ۱۳۷۸). فرض ما این است که همه‌ی علل مورد بحث جانسون در نامتعادل کردن نظام اجتماعی و ارزشی ایران مؤثر بودند و تسریع و تشدید تبادلات میان - هویتی به‌عنوان زیرمجموعه‌ی فرهنگ، معلول مستقیم و غیرمستقیم این شرایط و عوامل (محیطی) است. دانیلین لوزیک^۲ معتقد است مسائل اجتماعی بر ادراک‌های عمومی مبتنی هستند و دست‌کم می‌توان آنها را با چهار معیار، بهتر شناخت: اول آن که ناظر بر شرایط منفی باشند [...]؛ دوم این که در زمره‌ی مقوله‌های دشوار و جدی باشد. [...]؛ سوم این که [...] مسئله اجتماعی دال بر شرایطی تحت تأثیر انسان‌ها ایجاد شده است؛ از این رو به وسیله‌ی خود انسان‌ها نیز می‌توان آن را از میان برداشت و چهارم آن که، شرایطی (هستند) که معتقد باشیم باید آن را تغییر داد؛ تغییراتی که منطقی هم به نظر می‌رسند. (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۳).

هم‌چنین، مواردی مانند: «ناشی از روابط انسانی»؛ «عامل بی‌نظمی در جامعه»؛ «شکسته‌شدن هنجارها»؛ «خطر برای راه و رسم زندگی» را جامعه‌شناسان برای توضیح مسئله اجتماعی عنوان کرده‌اند (آلن بیرو، ۱۳۷۲: ۱۳۶). پژوهش‌گران دیگری ویژگی‌هایی برای مسائل اجتماعی تعیین کرده‌اند که با توجه به آن‌ها می‌توان موضوع مورد بررسی (در اینجا) را با اطمینان بیشتری مصداق مسئله‌ی اجتماعی دانست: الف) ماهیت اجتماعی و عمومی داشتن؛ ب) تاریخی بودن؛ ج) واقعی و عینی بودن؛ د) متغیر و نسبی بودن نسبت به زمان و مکان؛ ه) قابل کنترل بودن و ی) چند بُعدی و بین‌رشته‌ای بودن (ستوده،

۱۳۸۴:۲۹؛ هم‌چنین نک: افشارکهن، ۱۳۹۰: ۵۷-۳۹). هدف اصلی پژوهش این است که میزان گرایش به هویت سنتی و مدرن در بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر چه میزان است؟ و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن کدام‌اند؟.

۳. هویت در پژوهش‌های تجربی پیشین

۱.۳ پژوهش‌های داخلی

پژوهش صدیق سروستانی (ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ۱۳۸۸) نشان داده مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند. اما در بخش هویت سیاسی، مؤلفه‌های سنتی، یعنی گرایش به آمیختگی دین و سیاست و گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی است که در مقابل گرایش به وجود جامعه مدنی نقش برجسته‌تری در هویت دانشجویان دارد و هویت دانشجویان نه تک‌بعدی (سنتی یا مدرن) بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بُعد سنتی و مدرن است.

محمدتقی ایمان و همکارانش (۱۳۹۲) نیز پژوهش «هویت/اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی) دانشجویان دانشگاه شیراز را با استفاده از نظریه «هویت» شلدون استرایکر و روش پیمایش مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پیمایش نشان داده‌اند که رابطه معنادار مثبتی میان هویت اسلامی و متغیرهای هویت ملی و هویت قومی؛ و رابطه معنادار منفی‌ای میان متغیر هویت اسلامی و هویت جهانی وجود داشته‌است. متغیرهای هویت ملی و هویت جهانی، در مجموع، ۴۵ درصد از تغییرات متغیر هویت اسلامی را تبیین کردند.

نتایج پژوهش پیمایش احمدی و همکارانش با نمونه‌ای ۳۹۵ نفری (تأثیر استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر هویت اجتماعی جوانان، ۱۳۹۲) نشان داده که استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با تدین و مردسالاری رابطه معنی‌دار دارد اما با شبکه خویشاوندی و ارتباط ناب، رابطه معناداری ندارد.

پژوهش پیمایش‌محور دیگری را جوادی‌یگانه و همکارانش در سال ۱۳۸۷ روی دانش‌آموزان سال سوم مقطع متوسطه نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش (با نمونه‌ی آماری ۴۰۰ نفری) نشان دادند که در بُعد

اجتماعی، ۹۲ درصد و در بُعد فرهنگی، ۷۵ درصد پاسخگویان، به عناصر هویتی در این دو حوزه احساس تعلق بالا دارند.

«جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک» عنوان پژوهش کیفی محور توسلی و همکارانش (۱۳۸۶) نشان داده که لک‌ها علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی درون‌گروهی خود، دارای خصیصه‌های فرهنگی مشترکی هستند که مبین هویت قومی آن‌هاست؛ «آن‌ها بخش دیگری از هویت فرهنگی خود را به شیوه‌ای عام‌گرایانه بازسازی می‌کنند. تمام عناصر فرهنگی در میان این قوم از قدرت هویت‌سازی هم‌سانی برخوردار نیستند عناصری که در درون فرایندهای قدرت، تفاوت و مقاومت قرار می‌گیرند توان هویت‌سازی بالاتری دارند».

نمونه‌ی دیگری از مطالعات تجربی درون کشور، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان» (۱۳۸۸)، پیمایش جعفر زلفعلی فام و مظفر غفاری با نمونه ۳۸۹ نفری نتایج زیر را نشان داده‌است:

دختران سعی دارند با اتکاء به مراجع هویت‌ساز غیرسنتی چون تحصیل، شغل و استقلال مالی از هویت اجتماعی سنتی که توسط خانواده پدرسالار برای آنها تعریف کرده، گذار کنند و خودشان به صورت بازاندیشانه، هویت اجتماعی غیرسنتی را برای خویشتن در جامعه تعریف نمایند.

در میان رساله‌های دانشجویی، رساله کارشناسی ارشد اشرف مظلوم: «بررسی ارتباط میان روش‌های تربیتی و پایگاه‌های هویت نوجوانان شهر تهران در سال ۱۳۸۲» نشان داده رابطه معنادار میان روش‌های تربیتی والدین و پایگاه‌های هویت؛ تفاوت پایگاه‌های هویت در دختران با پایگاه‌های هویت در پسران؛ تفاوت میان روش‌های تربیتی والدین در مورد پسران و دختران؛ رابطه معنادار میان روش‌های تربیتی والدین (کنترل و محبت) و وضعیت‌های هویت در نوجوانان؛ رابطه معنادار بین وضعیت‌های هویت جنسی دختران و پسران؛ رابطه معنادار بین تحصیلات پدر و کنترل (بالا و پایین) و رابطه‌ی بدون معنا بین روش تربیتی والدین و جنس فرزندان برقرار بوده‌است.

رساله پیمایشی کارشناسی ارشد مریم سروش در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۸۰ با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شهر شیراز» (نمونه ۴۰۰ نفری از جوانان ۱۹-۳۵ ساله) نشان داده که میزان مذهبی‌بودن والدین و دوستان، میزان دنیاگرایی و متغیر جنس مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر هویت مذهبی بوده‌اند. متغیرهای: میزان

رضایت‌مندی سیاسی، میزان جهانی‌شدن و وضعیت تأهل تأثیری غیرمستقیم بر متغیر وابسته در این پژوهش نشان داده‌اند.

نتایج تحلیل چندمتغیره و تحلیل مسیر نشان می‌دهد که اثرات مستقیم بر هویت مذهبی در مجموع تعیین‌کننده‌تر از اثرات غیرمستقیم است و جوانان بیشترین تأثیر را از گروه‌های دوستی و والدین خود دریافت می‌کنند. میزان دنیاگرایی به صورت منفی بر متغیر وابسته تأثیر داشته‌است. از طرف دیگر عامل جنسی نیز در این امر دخیل بوده یعنی زنان مذهبی‌تر از مردان بوده‌اند اما این متغیر اثر زیادی نداشته‌است.

برخی دیگر از پژوهش‌های درون‌کشور از این قرار هستند:

- پورجبلی؛ «بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی جوانان ارومیه» در سال ۱۳۷۹ با استفاده از روش پیمایش با انتخاب یک نمونه ۳۸۳ نفری از نوجوانان شهر ارومیه.
- فاطمه رئیسی (۱۳۷۶) تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان»
- محمدرضا ارشد خرگردی، ۱۳۸۱، «عوامل موثر بر بحران هویت در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز».
- محمد عبداللهی، ۱۳۷۵، «بررسی هویت جمعی موجود در بین جمعیت شهری، روستایی و ایلی ایران».
- خادمی، محسن؛ ساکتی، پرویز و فلاحی، ویدا؛ (۱۳۸۶) «بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی (گرایش‌ها و شناخت‌ها)».

۲.۳ پژوهش‌های تجربی خارجی

- لو و شو- فانگ‌کو (Luo & shu- Fang Kao) در سال ۲۰۱۰ پژوهشی را در میان ۱۶۹ جفت فرزندان - والدین با استفاده از پرسشنامه ساخت‌یافته بررسی کردند. تجزیه و تحلیل درون گروه‌ها نشان داد که همبستگی نسبی بالا و همچنین اختلاف در ویژگی‌های سستی و مدرن میان این دو نسل وجود دارد. تجزیه و تحلیل بین افراد نیز نشان داده که خصوصیات سستی و مدرن فردی تحت تأثیر سن و جنس و تعاملات آنها قرار گرفته‌است.

- الیزابت هیلمن (Heilman, 1998) در پژوهشی با عنوان «ستیز برای خود، قدرت و هویت اجتماعی در میان دختران نوجوان» به بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت در میان دختران نوجوان دبیرستان در یکی از مناطق فقیرنشین در انگلستان پرداخته‌است.
 - پژوهش لیم و چو (Lim & Chou, 2010) دانشجویان، استفاده آنان از وسایل ارتباطی جدید و هویت سنتی مدرن را هدف مطالعه قرار داده‌است. نتیجه دلالت دارد بر تنش‌هایی که دانش اطلاعاتی و وسایل ارتباطی در هویت سنتی - مدرن به وجود می‌آورد. «تمایز» که به طور ذاتی جزء کارکرد هویت به شمار می‌رود، دانشجوی مرتبط با محیط دانشگاه را در تضاد با فرهنگ بومی - سنتی والدین و بزرگسالان قرار می‌دهد و به این ترتیب، هویت آنان را تلاطمی و تجانسی شکل می‌دهد.
 - پژوهش اسچالک (Schalk, S., 2011) که تمرکز خود را بر دوگانه‌ی خود - دیگری قرار داده، در پی آشکار ساختن تأثیرات رسانه‌های ارتباطی جمعی بر متغیرهایی چون هویت، آگاهی و ارتباط میان خود - دیگری برآمده‌است.
- در این راستا می‌توان از پژوهش‌های دیگری به طور خلاصه نام برد:
- کوپوسسکو (Copesescu, S., 2011) با عنوان «ابعاد ساختار هویت در درون وضعیت جهانی شدن»؛
 - پژوهش آر. اس. زاهارتا (Zaharta, 1989) با عنوان «شوک خود: پیچیدگی‌های تنزیدی هم‌آوردجویی هویتی»؛
 - نینگ‌یانگ (Ning Yang, 1997)؛ «بحران فرهنگی و ساخت هویت»
 - «بررسی جنبه‌های هویت اجتماعی در زنان و مردان آلمان» توسط لوناتن (Lounaton, 1998)
 - به جز استفاده از برخی متغیرهای مستقلی (مانند میزان تعلق اجتماعی) که این پژوهش را از سایر پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند؛ و گذشته از نحوه‌ی عملیاتی کردن متغیر وابسته؛ تفاوت مهم در این است که برخلاف پیشینیان که در کلان‌شهرهای ایران انجام شده‌اند و عمدتاً دانشجویان دانشگاه‌های دولتی را محور مطالعه قرار داده‌اند؛ این پژوهش نمونه‌ای از دانشجویان را هدف مطالعه قرار داده که هم در دانشگاه آزاد و هم در شهرستانی در حال تحصیل بودند که واجد دو خصلت

مهم فرهنگی و تاریخی است. شوشتر، از نقطه نظر تاریخی، به شهری بسیار مذهبی و به صفت «دارالمؤمنین» شهرت دارد و از نقطه نظر جامعه‌ی و فرهنگی، قومیت‌های متنوعی (شوشتری‌ها، بختیاری‌ها، عرب‌ها و مهاجرینی پر تعدادی از استان‌های هم‌جوار خوزستان) را در خود جای داده است.

۴. مبانی نظری

مطالعات جامعه‌شناختی هویت از سال‌های شکل‌گیری دانش جامعه‌شناسی آغاز شد. دورکیم برای تبیین ظهور ادیان ابتدایی از منظر کارکردگرایی به توضیح کارکردهای مناسک دینی پرداخت که چگونه احساس تعلق فرد به یک گروه («ما» بودن) را شکل می‌دهد و تشدید می‌کند. مارکس که معتقد بود افکار طبقه‌ی حاکم در هر عصری، افکار حاکم بر تمام جامعه است و طبقه‌ای که مالک ابزار تولید است، بر ابزار تولید ذهنی نیز تسلط دارد (کوزر، ۱۳۶۹: ۸۰)؛ رویکردی را آغاز کرد که در مطالعات مشهور به پسا مارکسی کسانی مانند آلتوسر و گرامشی، رنگ تحلیلی فرهنگی و هویتی به خود گرفتند. وبر نیز در تحلیل‌های‌اش، دگرذیسی جهان سستی و گذار از آن به جهان مدرن را با مفهوم «افسون‌زدایی از جهان» تحلیل می‌کرد که در وهله‌ی اول، مبین انفکاک معرفت‌شناختی جهان و انسان جدید با جهان و انسان سستی بود؛ سوژه و ابژه‌ای که در فرایند مدرنیزاسیون، به معنای واقعی از وجه هویتی تغییر و تحول یافته بودند. این دسته از جامعه‌شناسان بر رویکردهای کلان، تاریخی-تطبیقی و نهادها و ساختارهای پهن - دامنه تأکید داشتند و به طور معمول، کنش‌گر را محاط و منفعل در این ساختارها می‌دانستند. در رویکردی متفاوت با این، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی مانند کولی، مید، گافمن و استرایکر، با هدف تبیین نقش «عامل»^۳ در فرایند زندگی اجتماعی و تولید و بازتولید ساختارهای کلان، ضمن تعریف و توضیح عوامل شکل‌دهی به «خود» و «دیگری» (در نقش کنش‌گرانی چون انسان‌های عادی و نیز در نقش فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به مثابه خود و دیگری)، به تبیین روابط بین این دو و تغییرات هویتی برخاسته از هر دو پرداختند. از یک سو، منطق حاکم بر روابط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از منظر معرفت‌شناختی، دینی و سیاسی، قابلیت تحلیل روابط میان انسان‌های با فرهنگ‌های متفاوت به عنوان خودها و دیگری‌ها را دارد و از سویی، همین رویکرد کنش‌گر - محور که به تعبیر ریتزر در چارچوب پارادایم رفتار اجتماعی جای گرفته، توان تحلیلی خود برای روابط میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را نشان می‌دهد. مطابق با این رهیافت، کنش‌گران (و نیز

فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی) که فرهنگ و هویت خویشتن را برتر از کنش‌گران و فرهنگ‌های «دیگر» می‌دانند، در نقش بنیادگرایان سیاسی، نژادی، خونی و مذهبی ظاهر می‌شوند؛ در حالی که آن‌سوی طیف یعنی معتقدان به فرهنگ‌های برابر و متفاوت، در نقش پلورالیست‌های فرهنگی، هویتی، دینی و سیاسی ظاهر می‌شوند که در نوع اخیر، می‌توان رویکرد تحلیلی تبادلی کسانی مانند هومنز و پیتر بلا و دیدگاه کسانی مانند گیدنز (در تجدد و تشخص) را به خدمت گرفت. در دهه‌های پایانی قرن ۲۰ و با آغاز قرن ۲۱ که بنیادگرایی مذهبی از یک‌سو، تقابل‌ها و تضادهای هویت‌ها را عمیق‌تر کردند و موجب تولید اندیشه‌های جدیدی چون «برخورد تمدن‌ها» توسط کسانی مانند هانتینگتون شدند؛ و از سویی دیگر، فرایند جهانی‌شدن با کشفیات و اختراعات فناوری‌ها و وسایل ارتباطی مدرن (چون ماهواره و اینترنت) سرعت شتابناکی گرفتند و مباحث تقابل مرکز - پیرامون و مرکزگرایی - محلی‌گرایی در کانون تئوری‌های علوم انسانی و به‌خصوص جامعه‌شناسی قرار گرفتند، کسانی مانند اینگلههارت و هابرماس نیز به وضعیت هویت، دین، دموکراسی و سکولاریزاسیون پرداختند؛ مفاهیم و عناصر مهمی از فرهنگ مغرب زمین که اینک سودای فراگیر شدن و اشاعه در تمامی کشورهای جهان دارند.

سراغاز روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی و فرهنگی میان ایران و غرب از نظر برخی از تحلیل‌گران، از دوره‌ی صفویه (جان فوران، ۱۳۹۳)؛ و گسترش و تعمیق آن بر اساس نظر برخی دیگر از پژوهندگان، مقارن ولی‌عهدی عباس میرزای قاجار بوده‌است (بشیری، ۱۳۹۳؛ آدمیت، ۱۳۵۵؛ نیکی‌کدی، ۱۳۸۷؛ اشرف، ۱۳۵۹). ورود عناصر هویتی غرب به منظومه‌ی هویتی ایرانیان، از همین زمان بود لیکن مطالعات نظری تاریخی و جامعه‌شناختی و پژوهش‌های میدانی پیرامون مفهوم هویت در دوره‌های پهلوی اول و دوم آغاز شد و پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی تداوم یافت. این مطالعات در ابتدا متأثر از سنت چپ بود اما به تدریج، پژوهش‌هایی با رویکرد علمی و انتقادی دامنه خود را گسترانید. هویت ایرانی، مانند هر پدیدار دیگر اجتماعی، به روایت‌های گوناگون تعریف و تصویر شده‌است. بااستناد به دیدگاه احمد اشرف، می‌توان به سه روایت عمده اشاره کرد. این روایت‌ها به ترتیب زمانی عبارت‌اند از روایت «ملت‌پرستانه»؛ روایت «مدرن و پست‌مدرن» و روایت «تاریخی‌نگر». نخستین روایتی که از هویت ایرانی در عصر نوین پدیدار شد و میان روشنفکران رواج گرفت بازسازی هویت ایرانی بر مبنای دیدگاه تخیلی و احساساتی ملت‌پرستانه یا ناسیونالیزم رومانتیک بود. روشنفکران درون این رهیافت، به آفرینش مفاهیم

تازه‌ای چون «ملت ایران»، «وطن پرستی»، «عشق به سرزمین پدری و مادری» پرداختند: کسانی مانند میرزافتحعلی آخوندزاده، جلال‌الدین میرزا (پسر فتحعلی‌شاه) و میرزا آقاخان کرمانی. دین زرتشت و تکریم مؤمنان به این دین، برتر شمردن ملیت بر دین و وطن پرستی در معنای فداکاری و از خودگذشتگی برای حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی سرزمین پدری و مادری و بیزاری از تازیان و مغولان و ترکان است که از این دیدگاه، پایه و سرچشمه همه ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی‌های ایران و ایرانی بوده‌اند. در برخی آثار صادق هدایت می‌توان برجسته‌شدن این رویکرد را مشاهده کرد. «روایت مدرن و پست‌مدرن»، یکی مبشر تعصب ملی و دیگری معرف تعصب ضدملی است. روایت نخست بیش‌تر باب طبع گروه‌های ناسیونالیست و دست‌راستی و طبقه حاکم، و روایت دوم بیشتر مورد اقبال چپ‌گرایان و یا جدایی‌طلبان، قومیت‌ها و علاقه‌مندان به مسئله ملیت‌هاست؛ و سوم، روایت تاریخی‌نگر که با پرهیز از افراط و تفریط آن دو روایت، راه حل میانه‌ای برای بررسی و تحلیل «هویت ایرانی» برگزیده‌است. این روایت «هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی» را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا امروز به شکل‌های گوناگون بازسازی شده‌است. از دیدگاه این روایت، در این‌که هویت ملی زاده دنیای جدید است با دیدگاه «مدرن و پست‌مدرن» هم‌آوازی دیده می‌شود؛ اما گسست بنیادین هویت ملی همه کشورها، به‌ویژه ایران را با هویت گذشته آنان، به استناد شواهد تاریخی بسیار نمی‌پذیرد. (اشرف، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۱۰). از نقطه‌نظری دیگر، می‌توان سه رویکرد هویتی را از هم تفکیک کرد: الف) رویکرد ذات‌گرا؛ ب) رویکرد گفتمانی؛ و ج) رویکرد برساخت‌گرا. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۴؛ افضلی و دیگران، ۶-۱۳۹۴: ۷). رویکرد ذات‌گرا هویت را امری طبیعی و ثابت جلوه می‌دهد. رویکرد گفتمانی هویت را برساخته «زمان و تصادف» و واقعیتی تاریخی تفسیر می‌کند. تأکید بر خصوصیت تاریخی هویت این معنا را افاده می‌کند که هویت تغییرپذیر، سیال و انعطاف‌پذیر است و خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌های متمایزکننده هویت‌ها نیز اعتباری هستند. رویکرد برساخت‌گرا، هویت را برساخته‌ای اجتماعی می‌داند. بر این اساس، هویت حاصل شرایط اجتماعی و کنش‌های انسان‌هاست. مهم‌ترین ویژگی رویکرد برساخت‌گرایانه توجه به اهمیت واقعیت‌های مادی و غیرمادی جامعه به جای مفاهیمی مانند ذات و ماهیت یا گفتمان و زبان در برساختن هویت است. ویژگی دوم در زمینه برساختی بودن هویت، این است که هویت حاصل دیالکتیک بین دو سطح خرد و کلان

یا به عبارت بهتر کارگزار و ساختار است و به همین دلیل در بیشتر موارد از هویت به عنوان امری جمعی و نه فردی نام برده شده‌است.

۵. چارچوب تئوریک

پدیده اجتماعی هویت در معنای دورکیمی آن، به صرف اجتماعی بودن، تاریخی، چندوجهی و میان‌رشته‌ای نیز محسوب می‌شود که عناصر خرد و کلانی در شکل‌گیری، تغییر یا ثبات آن مؤثر هستند. از منظر فلسفی - تاریخی - جامعه‌شناختی و از وجه انتزاعی، این پدیده به سنتی و مدرن تقسیم شده؛ هرچند پیداست که از وجه انضمامی، انفکاک یا شکاف در تمامیت (در معنای گشتالتی) آن به مثابه یک ابژه مد نظر نیست، بلکه منظور، تحلیل نظری به شکل یک طیف است.

در میان جامعه‌شناسان کلاسیک و در میان تضادگرایان، مارکس در هنگام بحث از ایدئولوژی و آگاهی طبقاتی به مقوله هویت فردی و طبقاتی هم توجه کرد. به زعم مارکس، آگاهی طبقاتی (به معنای آگاهی طبقات از هویت و منافع طبقاتی مشترک‌شان) عمده‌ترین عامل شکل‌گیری هویت جمعی یک طبقه اجتماعی است. تا آن زمان که هر طبقه پرولتاریا به آگاهی طبقاتی دست نیابد، نمی‌تواند از الیناسیون رها شود و هویت جمعی خود را بر سازد. با این تحلیل، طبقه‌ای که حاکم شده، طبقه‌ای است مجهز به آگاهی طبقاتی در وجه ذهنی و هویتی، و نیز در منافع مشترک یعنی واقعیت عینی. آگاهی طبقاتی بدون عنصر آگاهی ذهنی به دست نمی‌آید و نیز تحصیل آگاهی ذهنی، به جز داشتن احساس تعلق به جامعه (فرضیه اول پژوهش)، نیازمند داشتن سطحی از مشارکت اجتماعی (فرضیه دوم) و نیز ارتباط اجتماعی و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی است (فرضیه‌های سوم و چهارم). طبق سخن مشهور مارکس و بر اساس اصل تعیین‌کنندگی اقتصاد (هر چند با واسطه و نه مستقیم)، محتمل است که پایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی بر آگاهی طبقاتی، آگاهی ذهنی، ایدئولوژی و هویت افراد درون جامعه تأثیر به‌سزایی داشته باشد. (فرضیه ششم).

از دیدگاه تفسیرگرایانه برگر و لاکمن، هویت یکی از ارکان اساسی واقعیت ذهنی است که در ارتباطی جدلی با جامعه قرار می‌گیرد و سازه‌ای اجتماعی است که طی فرایند اجتماعی‌شدن شکل می‌گیرد. در این معنا می‌توان هویت را هم‌چون عنصری از عناصر فرهنگ محسوب کرد که با حس تعلق به جامعه شکل می‌گیرد (تأثیر احساس تعلق بر نوع هویت فرد در فرضیه اول)؛ از طریق مشارکت اجتماعی فرد در انواع

فعالیت‌های اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... دامنه گسترده‌ای می‌گیرد و فرد به واسطه انواع وسایل و راه‌های ارتباطی‌ای که جامعه در اختیارش قرار می‌دهد، در ارتباطی دوطرفه (فرد - جامعه)، هویت فردی و اجتماعی‌اش (مانند نوع مذهب و دین یا سطح تعلق خاطر به دین) را شکل می‌دهد (فرضیه چهارم و پنجم). هویت یکی از اجزای اصیل واقعیت ذهنی است و مانند هر گونه واقعیت ذهنی، در رابطه دیالکتیکی با جامعه قرار دارد و در اثر فرآیندهای اجتماعی تشکیل می‌شود و پس از متبلور شدن، باقی می‌ماند و تغییر می‌کند یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد. فرآیندهای اجتماعی که هم در تشکیل هویت و هم در حفظ هویت دخیل‌اند بر حسب ساختارهای اجتماعی تغییر می‌یابند (برگر و لاکمن، ۱۳۹۵: ۲۴۰-۲۳۶). این ساختارها، گاه سیاسی، گاه خانوادگی و گاهی اقتصادی است (فرضیه ششم پژوهش) و بنابراین، نوع ساختار خانواده، میزان بهره‌مندی خانواده از عناصر مؤثر بر قشریندی و طبقه‌بندی جامعه، ثروت جامعه (اعم از فرهنگی مانند دانش و سطح سواد و اقتصادی مانند سطح درآمد) و منزلت خانواده از وجه اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند در شکل‌دهی نوعی از هویت به فرد مؤثر باشد. رویکرد برگر و لاکمن را در بازسازی هویت، حنکینر هم تداوم بخشید و بر وجه خود - انعکاسی و دیالکتیکی هویت (میان عامل و ساختار) تأکید کرد. از نظر وی، کنش‌گر اجتماعی، به واسطه هویت، ساختارهای کلان جامعه را در ذهنش درونی و سپس منعکس می‌کند. البته این درونی‌کردن، انفعالی نیست و کنش‌گر خلاق، به طور فعالانه و دیالکتیکی با فرهنگ و هویت وارد ارتباط می‌شود. این سخن درست به این معناست که واقعیت هویت، تاریخی و نسبی هم هست، ضمن اینکه بر تشابه و تمایز در مورد هویت نیز تأکید دارد. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷۵-۵). مشارکت فعالانه کنش‌گر در سپهر اجتماعی و برقراری ارتباط دیالکتیکی با عناصر فرهنگی، به طور پیشینی باید واجد عنصر تعلق خاطر فرد به جامعه باشد. در این صورت، هرچه میزان تعلق کنش‌گر به جامعه و فرهنگش بیشتر باشد، محتمل است که مشارکت اجتماعی‌اش در جامعه و نیز میزان ارتباط اجتماعی‌اش بیشتر باشد و به این ترتیب نقش عاملیت خود را بیشتر ایفا کند. (فرضیه‌های اول، دوم و سوم). نزدیک به همین ایده، یعنی ارتباط دوسویه عامل و ساختار، گیدنز نیز موضع مشابهی دارد. از دیدگاه گیدنز نیز هرچند ساختارهای اجتماعی توسط فعالیت‌ها و آگاهی کنش‌گران به وجود می‌آیند اما به‌گونه‌ای بازگشتی، تاریخی و دیالکتیکی، ساختارها پتانسیل‌هایی در اختیار کنش‌گر قرار می‌دهند تا هویت خود را بسازند. این ساختارها در شکل و قالب قدرت فرهنگی (مانند

دین‌داری کنش‌گر، حس تعلق به جمع و جامعه، میزان و انواع فعالیت‌های عاملیتی کنش‌گر مانند انواع مشارکت فعالانه در جامعه؛ قدرت اقتصادی (مانند سرمایه مالی و درآمد)؛ قدرت سیاسی (مانند سطح فعالیت در مشارکت سیاسی)؛ قدرت آموزشی (مانند میزان بهره‌وری از قدرت رسانه‌ای و آموزش رسمی) بستری فراهم می‌سازند تا کنش‌گر به عنوان عامل، وضعیت کیستی و چیستی «خود» یا «گروه خود» نسبت به «دیگری» یا «گروه دیگری» را مشخص کند، تثبیت کند یا تغییر دهد و این تعیین کیستی یا چیستی (که بعدی تاریخی هم دارد)، در قالب هویت خود/دیگری متبلور می‌شود. کیستی فرد یا جمع، کیستی من - ما/ او - آن‌ها، چیستی فرد یا جمع، ادراک فرد یا جمع از خودش، تشکیل‌دهنده هویتی است که به صورت اجتماعی شکل می‌گیرد. در بحثی هم‌راستای بحث گیدنز در مورد عاملیت کنش‌گران و ساخت‌یابی مجدد ساختارهای کلان جامعه، بوردیو نیز با طرح مفاهیم «میدان» و «هابیتوس» وارد قلمروی تحلیل هویت شد. وقتی هابیتوس بوردیو را در معانی انضمامی تعبیر کنیم، در واقع به فرهنگ و هویت کنش‌گر می‌رسیم که توسط ساختارهای کلان، ساخت‌یابی می‌شوند و کنش‌گران در طول زندگی، با دخل و تصرف، آنها را درونی کرده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند (خصلت تاریخی، اکتسابی و سیالیت فرهنگ و هویت). به تعبیر ریتزر، ساختمان ذهنی در نتیجه اشغال بلندمدت یک جایگاه در داخل جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. از همین روی، ساختمان ذهنی بر وفق ماهیت جایگاه افراد در جهان اجتماعی تغییر می‌پذیرد و برای همین است که افراد گوناگون ساختمان ذهنی واحدی در جامعه ندارند به هر روی، آنهایی که جایگاه واحدی در جهان اجتماعی دارند، از ساختمان ذهنی مشابهی نیز برخوردارند (ریتزر، ۱۳۹۱: ۷۲۱). هابیتوس یا منش کنش‌گر که در روند اجتماعی شدن بر ساخته می‌شود (و هویت یکی از عناصر مهم هابیتوس است)، در واقع متأثر از سرمایه فرهنگی (میزان هم‌نوایی و احساس تعلق به جامعه و فرهنگ و میزان مشارکت اجتماعی)؛ سرمایه اقتصادی (مانند سطح درآمد و مقدار ثروت و دارایی یا همان طبقه اجتماعی - اقتصادی)؛ سرمایه نمادین (منزلت اجتماعی، تحصیلات و معلومات، استفاده از وسایل مدرن ارتباطی، سطح ارتباطات اجتماعی) کنش‌گر است؛ مفاهیمی که به صورت متغیر در این پژوهش طرح شده‌اند. در حالی که بوردیو به «تشخص» و انواع سرمایه اهمیت می‌داد، در قرن بیستم و با طرح شدن دانش و دانایی به عنوان قدرت توسط فوکو، کاستلز نیز با تمرکز بر اهمیت و قدرت تکنولوژی اطلاعات در منظومه شبکه‌ای جهان و کتاب «جامعه اطلاعاتی» به تحلیل هویت پرداخت. با ظهور وسایل ارتباطی مدرن

و فراگیر در قالب تکنولوژی اطلاعات، در اقتصاد اطلاعاتی و اقتصاد جهانی شده، فرهنگ و هویت هم سیال‌تر می‌شوند و هم در معرض دگرگونی سریعتری قرار می‌گیرند. این جامعه و فرهنگ جدید، تمامی عناصر هویتی فرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از احساس تعلق به گروه قومی یا دینی یا جنسیتی تا میزان درآمد و ثروت، سطح آگاهی، میزان قدرت مبتنی بر دانش کنش‌گر، تعلق انحصارگرایانه یا کثرت‌گرایانه به هر نوع ایدئولوژی و دین و مذهب؛ و در کل، برقراری ارتباطات میان - فرهنگی، منجر به تبادل عناصر فرهنگی‌ای می‌شود که هویت یکی از آنهاست. به این ترتیب، منابع هویتی فرد چون گذشته از یک منشأ تغذیه نمی‌شود بلکه با توجه به نوع هویت (هویت مشروعیت‌بخش، هویت مقاومت و هویت برنامه‌دار) و با توجه به تحولات کلان جوامع از سستی به سوی مدرن شدن، چند منبعی می‌گردد. (عقبیلی و ططری، ۱۳۹۱: ۷۳؛ کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

قاب ۱. صاحب‌نظران، منابع هویت محور در اندیشه‌های آن‌ها و فرضیه‌های استنباطی پژوهش

صاحب‌نظر	منابع هویت	فرضیه‌های استنباطی پژوهش
مارکس	مالکیت، اقتصاد زیربنا تعیین‌کننده	فرضیه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و ششم
گیدنز	مدرنیته، رسانه‌ها، اعتماد به دیگران، موقعیت‌های نهادی، سطح ارتباطات، خانواده، دیالکتیک بین عامل و ساختار	فرضیه‌های اول؛ سوم؛ چهارم و ششم
بوردیو	انواع سرمایه؛ هابیتوس؛ ساختارهای کلان اجتماعی	فرضیه‌های اول؛ دوم؛ سوم؛ چهارم و ششم
برگر و لاکمن	دیالکتیک ارتباطی فرد و جامعه؛ معناسازی کنش‌گرانه؛ ساختارهای اجتماعی‌کننده عامل و متقل‌کننده فرهنگ	فرضیه‌های اول؛ چهارم؛ پنجم و ششم
جنکینز	فرایند اجتماعی شدن، تعامل، قدرت و سیاست، خویشاوندی و قومیت	فرضیه‌های اول؛ دوم و سوم
کاستلز	جامعه شبکه‌ای؛ قدرت تکنولوژی؛ هویت‌های دیگر؛ وسایل ارتباطی مدرن و مجازی	فرضیه‌های اول؛ دوم؛ چهارم و ششم

۶. فرضیه‌های پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که:

۱. بین احساس تعلق به جامعه و هویت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.
۲. بین میزان مشارکت اجتماعی و هویت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.
۳. بین میزان ارتباط اجتماعی و هویت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.
۴. بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و هویت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.
۵. بین میزان دین‌داری و هویت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.
۶. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های سنتی یا مدرن ارتباط وجود دارد.

۷. جمعیت آماری و حجم نمونه

جمعیت آماری این پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر را شامل می‌شود که ۴۳۰۰ نفر گزارش شده‌اند. روش نمونه‌گیری، روش خوشه‌ای - تصادفی ساده بر اساس تعداد دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه تعیین شد. حجم نمونه با استفاده از جدول لین و با در نظر گرفتن میزان جمعیت آماری نزدیک به ۴۰۰ نفر به دست آمد. از این تعداد، ۲۰ پرسشنامه مخدوش بودند که در تحلیل نهایی حذف شدند.

۸. آمار توصیفی و استنباطی

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۸۵	۷۱/۲۵
زن	۹۵	۲۸/۷۵
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۱ بر اساس جنس پاسخگویان طرح شده؛ ۲۸۵ نفر (۷۱/۲۵ درصد) مرد و ۹۵ نفر (۲۸/۷۵ درصد) زن هستند. بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویان مرد با ۷۱/۲۵ درصد است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس درآمد خانواده

درآمد	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تراکمی
۷۰۰ هزار	۱۰۶	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۷/۹
۸۵۵ هزار	۲۰	۵/۳	۵/۳	۳۳/۲
۹۰۰ هزار	۱۲۸	۳۳/۷	۳۳/۷	۶۶/۸
۱ میلیون	۳	۰/۸	۰/۸	۶۷/۶
۱ میلیون و ۲۰۰ هزار	۱۰۱	۲۶/۶	۲۶/۶	۹۴/۲
۱ میلیون و ۵۰۰ هزار	۲۲	۵/۸	۵/۸	۱۰۰/۰
جمع	۳۸۰	۱۰۰/۰		

جدول شماره ۲ براساس وضعیت درآمد خانوار پاسخگویان آمده است: ۱۰۶ نفر (معادل ۲۷/۹ درصد) دارای درآمد ۷۰۰ هزار تومان، ۲۰ نفر (معادل ۵/۳ درصد) دارای درآمد ۸۵۵ هزار تومان، ۱۲۸ نفر (معادل ۳۳/۷ درصد) دارای درآمد ۹۰۰ هزار تومان، ۳ نفر (معادل ۰/۸ درصد) دارای درآمد ۱ میلیون تومان، ۱۰۱ نفر (معادل ۲۶/۶ درصد) دارای درآمد ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و ۲۲ نفر (معادل ۵/۸ درصد) دارای درآمد ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان.

جدول‌های شماره ۳ تا ۹ تعدادی از متغیرهای کمی را نشان می‌دهند که برای روشن‌تر شدن نظرات پاسخگویان به صورت کیفی دسته‌بندی شده‌اند. متغیرهای مستقل

سطح مشارکت اجتماعی پاسخگویان، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در میان پاسخگویان، میزان ارتباط انسانی پاسخگویان، میزان تعلق اجتماعی پاسخگویان، سطح دینداری پاسخگویان و متغیر وابسته یعنی موقعیت هویت (سنتی، سنتی - مدرن و مدرن) پاسخگویان در این جدول ها درج شده‌اند.

جدول ۳. سطح مشارکت اجتماعی پاسخگویان

سطح مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۲۶۳	۶۹.۲
متوسط	۱۱۷	۳۰.۸
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۴. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در میان پاسخگویان

سطح استفاده از وسایل ارتباطی	فراوانی	درصد
کم	۱۲	۳.۲
متوسط	۳۱۶	۸۳.۲
بالا	۵۲	۱۳.۷
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۵. میزان ارتباط انسانی پاسخگویان

سطح ارتباط انسانی	فراوانی	درصد
کم	۱۹۷	۵۱.۸
متوسط	۱۵۵	۴۰.۸
بالا	۲۸	۷.۴
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۶. میزان تعلق اجتماعی پاسخگویان

میزان تعلق اجتماعی	فراوانی	درصد
کم	۵۷	۱۵
متوسط	۲۹۸	۷۸.۴
بالا	۲۵	۶.۶
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۷. سطح دینداری پاسخگویان

سطح دینداری	فراوانی	درصد
کم	۸۲	۲۱.۶
متوسط	۲۹۸	۷۸.۴
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۸. سطح هویت پاسخگویان

سطح هویت	فراوانی	درصد
سستی - مدرن	۸۵	۲۲.۴
مدرن	۲۹۵	۷۷.۶
جمع	۳۸۰	۱۰۰

جدول ۹. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخگویان برحسب باسواد/ بی‌سواد بودن مادر

سواد مادر	تعداد	میانگین نمره
بلی	293	2.716
خیر	87	2.7586

Df=0/202

f=1

sig=/.653

میانگین‌های به‌دست‌آمده تفاوت معنی‌داری را میان تأثیر سواد مادران پاسخگویان و رابطه آن با سطح هویت دانشجویان نشان نمی‌دهند میزان اف، دی اف و سطح معنی‌داری مؤید این نتیجه است. با شرح مندرجات جدول بالا، اگر مبدأ گرایش به هویت را گرایش سستی مفروض بگیریم، تحصیلات مادر در خانواده، تأثیری بر حرکت فرزندان به سمت گرایش به هویت مدرن ندارد. با این وصف، عوامل دیگری در این قضیه دخالت دارند.

جدول ۱۰. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل سن و سطح هویت

	سطح هویت	سن
Spearman's rho	Correlation Coefficient	۰.۲۳
	Sig. (2-tailed)	۰.۶۶۱
	N	۳۸۰
	Correlation Coefficient	۰.۲۳
	Sig. (2-tailed)	۰.۶۶۱
	N	۳۸۰

جدول شماره ۱۰ آزمون همبستگی متغیر سن و سطح هویت را نشان می‌دهد. بر اساس نتیجه این جدول، بین این دو متغیر همبستگی دیده نمی‌شود. به این ترتیب، فرضیه ارتباط بین این دو متغیر تأیید نمی‌شود. هرچند نبود همبستگی به معنای عامل نبودن متغیر سن در گرایش به هویت مدرن محسوب نمی‌شود لیکن احتمال می‌رود که نبود پراکندگی و فاصله‌ی سنی در میان جامعه‌ی مورد مطالعه، در همبسته نبودن این دو متغیر دخالت داشته باشد.

جدول ۱۱. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخگویان بر حسب شاغل / غیر شاغل بودن مادر

میانگین نمره	تعداد	شاغل بودن مادر
۲.۸۲۴۶	۱۵۲	بلی
۲.۷۰۳۹	۲۲۸	خیر

Df=7.756

f=1

sig=/.000

در اینجا، تفاوت میانگین در سطح هویت مادران شاغل و غیر شاغل به ۰/۱۲۰۷ می‌رسد که با توجه به سطح معنی‌داری و اف و نیز دی اف، می‌رساند که شاغل بودن مادران با میزان هویت مدرن فرزندان‌شان رابطه دارد. شاغل بودن مادر، به معنای حض. ر بیشتر زن در فضای اجتماعی است. حضور بیشتر، منجر به داشتن ارتباطات اجتماعی گسترده‌تر و آشنایی با عناصر فرهنگی‌ای است که زن خانه‌دار از آن بی‌بهره است. از این زاویه تحلیل، قابل پیش‌بینی است که گشودگی فکری زن در محیط خارج از خانه، ذهنیت او را برای پذیرش

عناصر فکری نزدیک به هویت مدرن آماده‌تر می‌کند و در نوع تربیت او بر فرزندان تأثیر می‌گذارد.

جدول ۱۲. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخگویان بر حسب دانشکده

دانشکده	تعداد	میانگین نمره	آزمون توکی			
			۴	۳	۲	۱
ادبیات و علوم انسانی (۱)	۷۹	۲.۸۱۰۱				
فنی و مهندسی (۲)	۱۲۰	۲.۷۸۳۳				
علوم آب و کشاورزی (۳)	۱۵۹	۲.۷۴۸۴				❶*❷
علوم اجتماعی (۴)	۲۲	۲.۸۱۸۲				

بر اساس جدول بالا، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و بعد از آن دانشجویان دانشکده ادبیات از میانگین نمره بالاتری در سطح هویت مدرن برخوردار هستند. تفاوت آشکار و معنی‌دار، میان دانشجویان دانشکده ادبیات و دانشجویان دانشکده علوم آب و مهندسی دیده می‌شود. از لحاظ آماری، میان دانشکده‌های دیگر در این مورد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. توضیح این تفاوت را می‌توان در مواد درسی دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی و ادبیات دید. در رشته علوم اجتماعی، بیشترین بخش سرفصل‌های دروس کارشناسی، متون اندیشه‌های فیلسوفان و جامعه‌شناسان غربی است و از لحاظ تئوریک پذیرفتنی است که این دانشجویان، بیشتر از دانشجویان دانشکده مهندسی و علوم آب، گرایش به هویت مدرن داشته باشند. همچنین دروس رشته ادبیات فارسی، هرچند اغلب منشأ ادبی پارسی دارند اما حاوی اندیشه‌های پلورالستیک هستند و دانشجوی این رشته را از تصلب در تفکر، و تعصب به فرهنگ سستی و میل به انحصارگرایی فرهنگی دور و مستعد پذیرش فرهنگ «دیگری» می‌کند.

جدول ۱۳. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل تحصیلات پدر و سطح هویت

		سطح هویت	تحصیلات پدر
سطح هویت T	Correlation Coefficient	۱.۰۰۰	-.۰۹۷
	Sig. (2-tailed)	.	.۰۵۸
	N	۳۸۰	۳۸۰
Spearman's rho	Correlation Coefficient	-.۰۹۷	۱.۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	.۰۵۸	.
	N	۳۸۰	۳۸۰

نتیجه آزمون آماری رابطه‌ای خطی را نشان نمی‌دهد. یک دلیل فقدان همبستگی میان این دو متغیر، احتمالاً به عوامل دیگری چون رابطه عمودی میان پدر و فرزند برمی‌گردد. رابطه عمودی و یک‌سویه میان دو نسل، محتمل است که واکنشی مانند فاصله اجتماعی و عصیان نسل جوان علیه پدر خانواده را دربرداشته باشد.

جدول ۱۴. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره سطح هویت پاسخگویان برحسب شاغل / غیر شاغل بودن پدر

میانگین نمره	تعداد	شاغل بودن پدر
۲.۷۶۲۹	۲۹۱	بلی
۲.۸۲۰۲	۸۹	خیر

Df=1.288

f=1

sig=/.257

تفاوت میانگین نمرات به‌دست‌آمده از سطح هویت دانشجویان نشان می‌دهد که اختلافی در حد ۰/۰۵۷۳ میان دانشجویان با پدر شاغل و دانشجویان با پدر غیر شاغل وجود دارد. سطح معنی‌داری ۰/۲۵۷ ارتباط هر دو متغیر در سطح ۹۵ درصد را منتفی می‌کند.

جدول ۱۵. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل درآمد خانواده و سطح هویت

		سطح هویت	درآمد خانواده
Spearman's rho	Correlation Coefficient	۱.۰۰۰	-.۰۱۹
	Sig. (2-tailed)	.	۷۰۹
	N	۳۸۰	۳۸۰
	Correlation Coefficient	-.۰۱۹	۱.۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۷۰۹	.
	N	۳۸۰	۳۸۰

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهند که میان متغیر میزان درآمد خانواده و سطح هویت دانشجویان رابطه خطی وجود ندارد و این فرضیه تأیید نمی‌شود.

جدول ۱۶. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل مشارکت اجتماعی و سطح هویت

		سطح هویت	مشارکت اجتماعی
سطح هویت	Pearson Correlation	۱	.۴۳۵**
	Sig. (2-tailed)		۰۰۰
	N	۳۸۰	۳۸۰
مشارکت اجتماعی T	Pearson Correlation	.۴۳۵**	۱
	Sig. (2-tailed)	۰۰۰	
	N	۳۸۰	۳۸۰

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول بالا نتیجه آزمون میان متغیر میزان مشارکت اجتماعی و سطح هویت را نشان می‌دهد. بر این اساس، رابطه‌ی میان این دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. یعنی افزایش یک واحدی در میزان مشارکت اجتماعی، افزایشی معادل ۴۳/۵ در سطح هویت مدرن را نشان می‌دهد. این نتیجه از لحاظ تئوریک پذیرفتنی است؛ زیرا مشارکت اجتماعی و مدنی (که در جوامع با هویت‌های سنتی چندان گسترده نیست)، به صورت هم‌جهت با عناصری از جامعه‌ی مدنی در جامعه مدرن هم‌افزایی دارد.

جدول ۱۷. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و سطح هویت

	سطح هویت	وسایل ارتباط جمعی
Pearson Correlation	۱	۱۱۱*
Sig. (2-tailed)		۰۳۱
N	۳۸۰	۳۸۰
Pearson Correlation	۱۱۱*	۱
Sig. (2-tailed)	۰۳۱	
N	۳۸۰	۳۸۰

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

آزمون آماری نشان می‌دهد که میان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مدرن‌شدن هویت دانشجویان رابطه وجود دارد این رابطه با شدت ۱۱ درصد و در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد قابل اعتناست. یعنی به ازای یک واحد افزایش در استفاده از وسایل ارتباطی جدید، دانشجویان معادل ۱۱/۱ درصد گرایش به هویت مدرن پیدا می‌کنند.

جدول ۱۸. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل میزان ارتباط انسانی و سطح هویت

	سطح هویت	ارتباط انسانی
Pearson Correlation	۱	۰.۱۷۹**
Sig. (2-tailed)		۰۰۰
N	۳۸۰	۳۸۰
Pearson Correlation	۰.۱۷۹**	۱
Sig. (2-tailed)	۰۰۰	
N	۳۸۰	۳۸۰

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

میزان داشتن ارتباط انسانی در این پژوهش با مدرن‌شدن هویت دانشجویان مرتبط است. می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد گفت که به‌ازاء افزایش یک واحدی در میزان ارتباط فرد با جامعه اطراف، معادل ۱۷/۹ درصد از وجه مدرن‌شدن هویتش افزوده می‌شود و از وجه سنتی بودن آن می‌کاهد.

جدول ۱۹. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل میزان تعلق اجتماعی و سطح هویت

	سطح هویت	تعلق اجتماعی
Pearson Correlation	۱	۰.۰۴۴
Sig. (2-tailed)		۳۹۶
N	۳۸۰	۳۸۰
Pearson Correlation	۰.۰۴۴	۱
Sig. (2-tailed)	۳۹۶	
N	۳۸۰	۳۸۰

مندرجات به‌دست‌آمده از آزمون آماری میان دو متغیر میزان تعلق اجتماعی و سطح هویت دانشجویان نشان می‌دهد که این فرضیه تأیید می‌شود با این توضیح که در ارتباط میان این دو متغیر، چون هر دو روند افزایشی دارند، افزایش یک واحد در متغیر مستقل میزان تعلق اجتماعی، افزایش ۴/۴ درصدی در متغیر وابسته را در پی دارد.

جدول ۲۰. آزمون آماری همبستگی متغیر مستقل میزان دینداری و سطح هویت

	سطح هویت	دینداری
Pearson Correlation	۱	-۱۵۹**
Sig. (2-tailed)		۰۰۲
N	۳۸۰	۳۸۰
Pearson Correlation	-۱۵۹**	۱
Sig. (2-tailed)	۰۰۲	
N	۳۸۰	۳۸۰

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

اما سطح دین‌داری پاسخگویان بر مدرن‌شدن هویت آنان مؤثر افتاده‌است. میزان تأثیر این متغیر روی متغیر وابسته به تنهایی، ۱۵/۹ درصد است. به ازای کاهش یک درصدی در میزان دینداری فرد پاسخگو، افزایشی معادل ۱۵/۹ درصد در گرایش به هویت مدرن به‌وجود می‌آید.

جدول ۲۱. این جدول، فهرست متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیون خطی و شیوه انجام آن را نشان می‌دهد.

متغیرهای وارد شده به معادله

Model	Variables Entered	Variables Removed	Method
1	دینداری، جنس، تحصیلات پدر، وضعیت ازدواج، شغل مادر، درآمد خانواده، سن، تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی، وسایل ارتباطی، شغل پدر، ارتباط انسانی	.	Enter

a. Tolerance = .000 limits reached.

b. Dependent Variable: سطح هویت

جدول ۲۲. خلاصه مدل

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.495 ^a	.245	.220	.36898

جدول ۲۳. جدول ضرایب معادله رگرسیون: متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

Coefficients^a

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
عدد ثابت	۳.۲۷۹	۲۶۶		۱۲.۳۲۵	۰۰۰
جنس	۰۳۵	۰۴۵	۰۴۱	۷۸۸	۴۳۱
سن	-۰۰۱	۰۰۷	-۰۰۸	-۱۷۴	۸۶۲
تأهل	۰۱۸	۰۴۷	۰۱۸	۳۹۰	۶۹۷
تحصیلات پدر	-۰۲۶	۰۱۶	-۰۷۶	-۱.۶۳۱	۱۰۴
شغل پدر	۰۱۱	۰۵۲	۰۱۰	۲۰۱	۸۴۱
درآمد خانواده	-۸.۵۸۴	۰۰۰	-۰۴۷	-۱.۰۰۷	۳۱۴
شغل مادر	-۱۲۴	۰۳۹	-۱۴۵	-۳.۱۳۶	۰۰۲
میزان مشارکت اجتماعی	-۳۶۴	۰۴۴	-۴۰۴	-۸.۳۰۸	۰۰۰
میزان استفاده از وسایل ارتباطی	۰۸۶	۰۵۱	۰۸۲	۱.۶۶۸	۰۹۶
میزان ارتباط انسانی	-۰۷۷	۰۳۵	-۱۱۷	-۲.۲۳۰	۰۲۶
میزان تعلق اجتماعی	۱.۳	۰۴۷	۱۱۳	۲.۱۸۲	۰۳۰
سطح دینداری	-۰۹۰	۰۵۰	-۰۸۸	-۱.۷۸۳	۰۷۵

a. متغیر وابسته: سطح هویت

جدول رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله، در کنار هم چگونه بر متغیر وابسته پژوهش تأثیر گذاشته‌اند. متغیر سن به عنوان اولین متغیر وارد معادله شده است. تأثیر این متغیر، با بتای $0/041$ و ارتباط مثبت، به معنای تأیید فرضیه پژوهش محسوب می‌شود؛ یعنی به ازای یک واحد کاهش در سن، $4/1$ درصد افزایش در متغیر وابسته اتفاق می‌افتد (با سطح معناداری این متغیر $0/431$). متغیر مستقل بعدی، متغیر درآمد خانواده است. ضریب تعیین این متغیر، $0/047$ - و به این معناست که حدود $4/7$ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر تبیین شده است. بتا و ارتباط نوع مثبت توضیح می‌دهد که افزایش در متغیر مستقل، افزایش در متغیر وابسته (با سطح معناداری $0/314$). سومین متغیر، میزان مشارکت اجتماعی است. ضریب این متغیر، $0/404$ - و به این معناست که حدود 40 درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر تبیین شده است. بتای $0/404$ - و ارتباط منفی با سطح معنی‌داری $0/000$ نیز نشان‌دهنده که کاهش در متغیر مستقل افزایش در متغیر وابسته را در پی دارد. چهارمین متغیر مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباطی جمعی است. ضریب تعیین این متغیر، $0/082$ و به این معناست که حدود 8 درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر توضیح داده شده است. پنجمین متغیر، میزان ارتباط با دیگران است. بتای این متغیر، $0/117$ - به دست آمده و به این معناست که حدود $11/7$ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر قابل تبیین کرده است. متغیر مستقل بعدی، میزان تعلق اجتماعی است. ضریب تعیین این متغیر، $0/113$ و به این معناست که حدود $11/3$ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر قابل تبیین است. بتای (میزان تأثیر) و ارتباط از نوع مثبت سطح معنی‌داری نیز $0/030$ نشان از آن دارد که افزایش جهت هر دو متغیر افزایشی است. و در نهایت، متغیر مستقل بعدی که وارد معادله رگرسیون شده متغیر میزان دین‌داری است. ضریب تعیین این متغیر، $0/088$ و به این معناست که حدود $8/8$ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را این متغیر قابل تبیین کرده است.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

حدود دو قرن است که از ورود ایران به جامعه جهانی و اشاعه برخی از عناصر فرهنگ غرب به نظام فرهنگی ما و ظهور هویت مدرن در جامعه‌ی ایران می‌گذرد. این پژوهش با رویکرد مبادله‌ای؛ رویکردی که ذیل تحلیل‌های جامعه‌شناسانه، پدیده هویت ایرانی را در

روایت‌های سه‌گانه: ملت‌پرستانه، مدرن و پست‌مدرن و تاریخی‌نگر (اشرف، ۱۳۹۵) با پشتوانه مطالعات نظری مطمح نظر دار و به صورت تجربی، با این پرسش محوری انجام شد که: میزان گرایش به هویت سنتی و مدرن در بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر به چه میزان است؟ و (برخی از) عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن کدام‌اند؟ نتایج به دست‌آمده نشان‌دادند که گرایش به هویت سنتی در نمونه‌ی آماری صفر است؛ ۲۲/۴ درصد گرایشی بنیابین (سنتی و مدرن) دارند و بخش قابل توجه دانشجویان (۷۷/۶ درصد)، دارای عناصر هویتی مدرن هستند. این نتیجه با نتیجه‌ی پژوهش جوادی‌یگانه و همکارانش (۱۳۸۷) با کمی اختلاف هم‌خوان است اما با نتیجه‌ی پژوهش صدیق سروسستانی (۱۳۸۸) تفاوت دارد از این لحاظ که درصدی از نمونه‌ی آماری‌اش، گرایش به هویت سنتی را ابراز کرده‌اند؛ در حالی که تمایل هویت سنتی - محور در اینجا صفر گزارش شده‌است. اما این نتیجه وقتی در کنار آمار میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی قرار می‌گیرد (۸۳/۲ درصد در حد متوسط و ۱۳/۷ درصد در حد بالا)، از نظر تئوریک نشان می‌دهد که فرایند جهانی‌شدن در محور کردن هویت‌های سنتی و تفکر محلی‌گرایی توفیق بالایی داشته‌است. نکته‌ی مهم این است که پژوهش سروسستانی از نظر مکانی در پایتخت انجام شده‌است. نکته‌ی قابل اعتنای دیگر، اینکه میزان ارتباط انسانی اکثریت پاسخگویان در حد بالا (۵۱/۹ درصد متوسط و ۴۰/۸ درصد) گزارش شده و اکثریت آنها میزان تعلق اجتماعی خود را در حد متوسط (۷۸/۴ درصد) بیان کرده‌اند؛ ضمن اینکه سطح دین‌داری آنها نمره‌ی بالایی را به خود اختصاص نداده‌است. (۷۵/۴ درصد متوسط و ۲۱/۶ درصد پایین). نتیجه‌ی آزمون فرضیه که مؤید ارتباط معنادار میان سطح دین‌داری و مدرن شدن هویت است، با نتیجه‌ی پژوهش سروش (۱۳۸۰) هم‌ساز است؛ ضمن تذکر این نکته معنادار که پژوهش نام‌برده در کلان‌شهر شیراز و با مطالعه‌ی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه دولتی شیراز انجام شده‌است.

عوامل مطروحه‌ی این پژوهش روی هم‌رفته، ۴۹/۵ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. برخی از یافته‌های پژوهش ما با پژوهش صدیق سروسستانی (۱۳۸۸) تاحدی مطابقت دارد. یافته‌های تحقیق نام‌برده نشان داده که مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند. هویت دانشجویان نه یک سازه تک‌بعدی (سنتی یا مدرن) بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بُعد سنتی و مدرن است. در این پژوهش نیز هم‌چنان که جدول آمار توصیفی نشان می‌دهد،

بیش‌تر دانشجویان به هویت مدرن و حدود ۲۵ درصد از آنان، هویت سنتی - مدرن‌گرایش دارند. هم‌چنین در تحقیق احمدی و همکارانش (۱۳۹۲) و تحقیق لیم و چو (۲۰۱۰) متغیر بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی (مانند این پژوهش) در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان (به‌عنوان نسل پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷) تأثیرگذار بوده‌است. در بحث از فقدان ارتباط متغیر زمینه‌ای سن و تحصیلات پدر با هویت‌یابی، در نتیجه‌ی این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های زلفعلی‌فام - غفاری (۱۳۸۸) و اشرف (۱۳۸۲) تفاوت دیده می‌شود. هرچند همه نسل جوان ایرانی از مبانی تئوریکی و فلسفی هویت مدرن و غربی آگاهی ندارند، اما فراگیر شدن وسایل تکنولوژیکی ارتباط جمعی، خصوصیات این نوع هویت را در ایران امروز گسترش داده و باعث رونق آن شده‌است. در این پژوهش متغیرهایی به‌کار گرفته شده‌اند که بیشتر در روایت مدرن و پست‌مدرن قرار می‌گیرند. در واقع، مطالعه ابعاد هویت در میان قشر جوان نشان می‌دهد که عناصر هویتی مورد نظر جهان غرب بیشتر مورد پذیرش هستند تا هویت نیمه‌تاریخی و سنتی. به تعبیرگیدنز، فعالیت‌های انسانی را «کنش‌گران اجتماعی به وجود نمی‌آورند، بلکه این فعالیت‌ها از طریق همان راه‌هایی که انسان‌ها خودشان را به عنوان کنش‌گر مطرح می‌سازند، پیوسته بازتولید می‌شوند. عوامل انسانی از طریق فعالیت‌های‌شان شرایطی را بوجود می‌آورند که این فعالیت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند». قبل از گیدنز، فوکو با بررسی تاریخی هرمنوتیک خود در غرب نیز نشان داد که مفهوم تازه «خود» در علوم انسانی از طریق تأسیس مفهوم «غیر» ظاهر شد و این کار از طریق گفتمان‌های وابسته به نیروها و نهادهای اجتماعی قدرتمند صورت می‌گیرد. البته با نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش و نظایر آن، این تفسیر شاید دور از واقعیت نباشد که در تعاملات میان - تمدنی و میان - فرهنگی، غرب مانند شرق‌شناسان قرن‌های هجده و نوزده، با رویکرد «غیری به‌مثابه دشمن» به دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نمی‌پردازد؛ بلکه بر آن است تا به شیوه‌ی شبیه‌سازی، «غیر» را به «خود» تشبیه و تبدیل کند که در این هدف توفیقاتی را نیز به‌دست آورده‌است. به این ترتیب، می‌شود نتیجه‌گرفت که هویت با وجودی که تحت تأثیر قدرت مسلط نهادهای کلانی چون اقتصاد، سیاست و آموزش قرار می‌گیرد، اما از آنجا که قدرت ذاتا متکثر و منتشر است، و کنش‌گران در نقش‌های اجتماعی قدرتی ولو حداقلی دارند، می‌توانند در عرصه‌ی نظر و کنش، انتخاب داشته‌باشند و تا حدی قدرت نهادها را مهار کنند. در واقع قدرت انتخابی کنش‌گران در وهله‌ی اول گرچه متأثر از قدرت اقتصادی و فرهنگی آنان است اما عامل مهمی که در

دهه‌های اخیر توان تصمیم‌گیری و انتخاب آزادانه‌ی بیشتری را نصیب کنش‌گران اجتماعی جهان کرده، استفاده از وسایل ارتباطی مدرن است که هم آنان را از انفعال و تسلیم‌بودن محض در برابر ساختارهای کلان و به‌خصوص ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه رژیم‌های سیاسی رهایی بخشیده و هم بر مشارکت مدنی و ارتباطات انسانی در نقاط زمانی و مکانی دوردست و نیز بر هم‌بستگی و انسجام اجتماعی تأثیر گذاشته و در مجموع، توانسته هویت سنتی آنان را به سمت هویت غالب و مدرن هدایت کند. با تفسیر این نتایج و سایر مطالعات انجام‌شده در حوزه جوانان و دانشجویان، می‌توان سخن از «چرخش فرهنگی» در نسل جوان ایران راند. این چرخش به‌سوی فرهنگ غربی، هرچند امری طبیعی، تاریخی و جامعوی است، اما مانند دیگر مبادلات در حوزه‌ی تمدنی و فرهنگی، کارکردهای پنهان و احتمالاً منفی نیز دارد؛ مانند آنچه که مارکس در خصوص الیناسیون برای جامعه صنعتی و طبقه پرولتاریا پیش‌بینی می‌کرد. این نتایج مؤید دیدگاه کاستلز نیز هست. کاستلز وقتی دست‌به‌تحلیل «جهان جدید» می‌گشاید، هم انقلاب تکنولوژی اطلاعات را در پدیدآوردن آن مهم تلقی می‌کند؛ هم بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و هم شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی فرهنگی را از دیدگاه او، کنش تعاملی میان این سه، ساختار نوین اجتماعی (جامعه شبکه‌ای)، اقتصاد اطلاعاتی و فرهنگ جدیدی را در جهان شبکه‌ای به وجود می‌آورد؛ هرچند وی در تحلیل نهایی تنوع فرهنگی ملل مختلف را مضمحل‌شده مفروض نمی‌گیرد. در حوزه‌ی دین‌داری هم بنابر برخی از تحلیل‌های جامعه‌شناسانه، به نظر می‌رسد با مطرح شدن انواع شیوه‌های دین‌داری و هویت‌های دین‌بنیان و اجرای دین ایدئولوژیک در چهارده اخیر در حوزه‌ی عمومی زندگی به کمک ابزارهای جهانی شدن، و از آنجایی که دین‌داری در مغرب‌زمین، بنیانی سکولاریستیک دارد، با غربی شدن هویت جوانان در ایران، گرایش به استقلال نظام دین از نظام سیاست و شیوه‌ی حکومت‌داری افزایش داشته‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برگرفته از پژوهشی که با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد جامع واحد شوشتر انجام شده‌است.

2. Donileen Ioseke

3. Agent

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: نشر سخن.
- احمدی، حبیب؛ دلاور، حبیب؛ سادات، مریم و بهمنی، لیلا (۱۳۹۲)، تأثیر استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر هویت اجتماعی جوانان، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر*، شماره ۲۱.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، *هویت ایرانی*، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۷)، *هویت ایرانی به سه روایت*، *مجله بخارا*، شماره ۶۶.
- افشارکهن، جواد (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ایمان، محمدتقی و روحانی، علی (۱۳۹۳)، *هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی)؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۶، شماره ۲۱.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۹)، «*مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- برگر، پیترو و لاکمن، توماس (۱۳۹۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: نشر آگه.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳)، *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*، ترجمه‌ی علی اردستانی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- تاجیک، محمدرضا، به‌اهتمام (۱۳۸۷)، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، (مجموعه مقالات)، تهران: فرهنگ گفتمان.
- توسلی، غلامعباس و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۶)، *جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دور ۸، شماره ۳، صص ۱۰۴-۸۱.
- زلفعلی، جعفر و غفاری، مظفر (۱۳۸۸)، *تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان*، *مجله: پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۲۱.
- جانسون، چالمرز (۱۳۸۳)، *تحول انقلابی*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جان‌فوران، (۱۳۹۳)، *مقاومت شکنندگی*، ترجمه احمد تدین، انتشارات مؤسسه فرهنگی رسا.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.

- جوادی‌یگانه، محمدرضا و عزیزی، جلیل (۱۳۸۷)، هویت فرهنگی و اجتماعی جوانان در شهر شیراز با توجه به عامل رسانه، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، دوره ۱، شماره ۳.
- خادمی، محسن؛ ساکتی، پرویز و فلاحی، ویدا (۱۳۸۶) «بررسی هویت فرهنگی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی (گرایشها و شناخت‌ها)، مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۲.
- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- سروش، مریم (۱۳۸۰)، بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی موثر بر هویت مذهبی جوانان شیراز، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- سیوری، راجرز (۱۳۸۷)، **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن دانشجویان دانشگاه‌های تهران، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، دوره ۲، شماره ۸.
- رئسی، فاطمه (۱۳۷۶) «بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم**.
- ریتزر، جورج، (۱۳۹۱)، **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محش ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، **تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی**، تهران: نشر نی.
- عقبلی، سید وحید و ططری، خدیجه (۱۳۹۱)، تبیین هویت ملی در توسعه ارتباطات، **مجله فرهنگ ارتباطات**، شماره ۹۲.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت**، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- گافمن، اروینگ (۱۳۹۱)، **نمود خود در زندگی روزمره**، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، **تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- گی‌روشه (۱۳۹۴)، **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه ع. نیک‌گهر، تهران: نشر نی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶)، **جهانی‌شدن فرهنگ هویت**، چاپ سوم، تهران: انتشارات نشر نی.
- لوزیک، دانیلین، (۱۳۸۳)، **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۴)، **جغرافیا، برساخت‌گرایی و تبیین برساخت‌گرایانه ژئوپولیتیک**، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، شماره ۳۹، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- مظلومی، اشرف (۱۳۸۲)، بررسی ارتباط میان روشهای تربیتی و پایگاه‌های هویت فرهنگی، اجتماعی نوجوانان شهر تهران، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی**، دانشگاه الزهرا.

نیکی.آر.کدی،(۱۳۸۷)،ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققن

منابع لاتین- از این منابع در قسمت (به خصوص) پژوهش‌های خارجی استفاده و در همانجا ذکر شده‌اند.

Chou, A & Lim.B.(2012),A framework for measuring happiness in social network.111.inios state university.

Bourdieu, P. (1995). The field of cultural production, Cambridge: Polity Press.

Copsescu,S.(2011),Aspects of identity consruction in the context of globalization,Bulletin of the Transilvania of Brasov, Series VII: Social sciences,Law,vol.4(53)- NO.2.

Kupper. Adam and F.Jessice Kupper, (1996); Social Science Encyclopedia , Rutledge London.

Luo Lu & Shu-Fang Kao(2010) Traditional and Modern Characteristics Across the Generations: Similarities and Discrepancies. The Journal of Social PsychologyPublished online: 02 Apr 2010

Heilman, Elizabeth (1998) , The struggle for self power and identity
in Adolecent Girls" Youth 8 society , Vol 3 . n . 2 .

Schalk,S.(2011), Self-other and Other-salf: goiong beyons the Self-other binary in contemrparry consciousness, journal of co,parative research in Anthropology and socilogy,vol .2, No.1.

Zaharata,R.S.(1989),self-shock:The double-binding challenge of identity, International Journal of Intercultural Relations, Vol.13,pp: 501- 525.